

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۱۰۰ دعای ۲۰ (مکارم الاخلاق)

جلسه ۳۷۱ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۲/۱۱/۰۲



- امام جواد (علیه السلام) کوثر ولایت است
- جوان ترین امام اهل بیت (علیهم السلام)
- توسل به امام جواد (علیه السلام) جهت سیر در مراتب قرب الهی
- سیری در مراحل نیل به بهشت پروردگار متعال
- سعادت زیست آخرتی، محصول زیست دنیایی است
- اصلاح اغلب امور زندگی با تقوای کلامی و قول سدید
- اطاعت و تقید به هماهنگی با رضای الهی
- انس و رفاقت با حضرت حق تبارک و تعالی
- غیرت پروردگار نسبت به مؤمنین و اولیاء الهی
- صبر در برابر فرمان الهی، راز رسیدن به رضوان الهی
- شفاعت در ارتقاء درجات بهشتی
- پاداش صبر و تسلیم و اطاعت از فرمان الهی
- جریان مقاومت به اسلام آبرو داد

سخن صریح حضرت رضا (علیه السلام) در ولادت این فرزند عزیزشان همین بود که وقتی قنداقه مطهر را به دست گرفت فرمود در اسلام مولودی با برکت‌تر از این متولد نشده است. خیلی تعبیر عجیبی است، لابد اسرار خودش را دارد. از چیزهایی که انسان به حسب ظاهر متوجه می‌شود یکی این است که با تولد امام جواد (علیه الصلوة والسلام) در واقع آن ملامت ابر بودن نسبت به حضرت رضا (علیه السلام) که شاید آن زمان حدود چهل و هفت هشت سال‌شان بود و جریان واقفیه داشتند خیلی از این مسئله سوء استفاده می‌کردند، خیلی ملامت می‌کردند، حرف‌های بی‌ربط می‌زدند، فراوان باعث اسباب رنجش خود آن حضرت و شیعیان می‌شدند، در واقع تولد امام جواد (علیه السلام) به قدری حضرت رضا (علیه السلام) را خوشحال کرد، این قدر که در تولد حضرت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردالمند

## امام جواد (علیه السلام) کوثر ولایت است

سالروز ولادت حضرت جوادالائمه (علیهم السلام) را به همه عزیزان تبریک عرض می‌کنیم و امیدواریم ان شاء الله به عنایت آن حضرت، از لطف بی‌کران حق در این ماه باعظمت؛ یعنی ماه مکرم رجب، همه ما بهره‌مند باشیم. عزیزان عنایت دارند که امام جواد (علیه الصلوة والسلام) جوان‌ترین امام اهل‌بیت (علیهم السلام) محسوب می‌شود، وجود مقدس ایشان قرین برکت است، نامش برکت است، یادش برکت است، ولایتش برکت است و جلوه کوثر است، تجلی دوباره فاطمه (سلام الله علیها) است. می‌گویند اگر فاطمه کوثر نبوت است، امام جواد (علیه السلام) کوثر ولایت است.

خداوند تبارک و تعالی از باب لطفش، نور خودش را هم به امام هم به اُمت کرامت می‌کند. بنابراین شاید عنوان «اعظم برکة» که امام رضا (علیه‌السلام) فرمودند ناظر به این باشد.

علاوه بر این، وجود اقدس حضرت جواد (علیه‌الصلوة‌والسلام) در

دوران کوتاه عمرشان که بیست و پنج شش سال است؛ ایشان ۲۵ ساله بودند که به شهادت رسیدند. در این دوران کوتاه عمرشان لحظه لحظه‌اش برای دوستانشان و برای امت برکت بوده است و بعد از شهادتشان هر توسلی به آن حضرت قرین برکت است که مجرب است. دوران عمر آن حضرت را مطالعه می‌کنید می‌بینید انواع و اقسام برکات؛ مادی، معنوی، آبرویی، گشایشی، از محیط شخصیت آن بزرگوار به امت، به دوستانشان می‌رسیده که این عنوان جواد هم که برای آن حضرت برگزیده

زهرا (سلام‌الله‌علیها) پیغمبر خوشحال شد و آن عنوان ابتریت به دشمن برگشت و شیعیان چقدر شادمان شدند، یک سرور عجیبی در محیط شیعه شکل گرفت و کسانی هم که این سخنان ناروا را می‌گفتند سیه‌رو شدند.

### جوان‌ترین امام اهل بیت (علیهم‌السلام)

شاید علت دیگرش هم این باشد که با تولد امام جواد (علیه‌الصلوة‌والسلام) از اسرار امامت پرده‌برداری شد، چون با وجود مقدس این حضرت که طبق تقدیر الهی در هفت سالگی به امامت رسید و از همان سنین کودکی نشانه‌های علم و حکمت و تدبیر و هرچه که در امامت لازم داشتیم در وجود مقدس آن حضرت بود و معلوم شد که امامت یک امر الهی است، امر قدسی است، ماوراء دسترس انسان‌های عادی است، یک امر اعطایی است که

انسان را به یک قله‌ای از قرب الهی می‌رساند که عارفان و اولیاء مشتاق آن مرتبه هستند.

امیدواریم ان شاءالله خدای متعال ما را از ولایت حضرت جواد (علیه‌السلام) حظ وافر و کامل کرامت کند. به عنایت آن حضرت به فکر ما، به ذکر ما، به ظاهر ما، به باطن ما، به مال ما، به نسل ما، به قلم ما، به قدم ما برکت کرامت کند. جوان‌ها هم عنایت داشته باشند که توسل به آن حضرت فتوحات و گشایش‌های فراوانی در جریان انتخاب‌های بزرگ زندگی‌شان دارد، توسل به آن حضرت مجرب است، در ازدواج، در تحصیل، در مسائل اقتصادی، این‌ها دیگر چیزهای دم دستی است، اصل قضیه همان سیر در مراتب قرب الهی است.

در روایتی هم که از ناحیه مقدسه به صورت یک دعا برای ماه رجب نقل شده است، از آن جا هم تأکید می‌شود که ولادت

شده، در بین دوستان‌شان به همین لقب شناخته می‌شوند، ناشی از همین مسئله است. امکان نداشت کسی به آن حضرت مراجعه کند مگر این که یا عین چیزی که می‌خواست دریافت می‌کرد یا بیش از آن. جلوه‌های سخاوت و جود آن حضرت در بین مردم و در بین امت آن زمان کاملاً شناخته شده بود و در همان مدت کوتاه خیلی نمونه دارد.

### توسل به امام جواد (علیه‌السلام) جهت سیر در مراتب قرب الهی

ماورای این نکته‌ها هم رازهایی است که در آن حدیث لوح گفت، در آن حدیث آسمانی هست، گفت اگر کسی می‌خواهد خدای متعال را، جمال الهی را بی‌حجاب ببیند، «فلیتول محمدالجواد علیه‌السلام»، این‌ها دیگر آن جهات باطنی است که ولایت این امام بزرگ،

علی بن الثانی می‌شود حضرت جواد (علیه‌الصلاة والسلام). اولش که امام باقر است محمد بن علی، دومی‌اش امام جواد (علیه‌الصلاة والسلام) است و ابنه که امام هادی است. «أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ» خب چه می‌خواهم؟ «أَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرْبِ» یعنی آن برترین درجات قرب را از تو می‌خواهم که خیلی به تو نزدیک بشوم. ببینید این چه بلندپروازی هست «أَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرْبِ». ادامه‌اش هم خیلی لطیف است «يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طَلِبَ وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغِبَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرَفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقْتَهُ ذُنُوبَهُ وَأَوْثَقْتَهُ عُيُوبَهُ فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دَعْوُهُ»<sup>۳</sup> یک نوع عذرخواهی خیلی لطیفی در این متن نورانی هست که برای استفاده از فیوضات ماه رجب بسیار پیش‌برنده است.

حضرت جواد (علیه‌الصلاة والسلام) در دهم ماه رجب است. چون یک نقل دیگری در باره ولادت آن حضرت در ماه مبارک رمضان است، ولی این توقیع، ولادت آن حضرت را در ماه رجب تأکید می‌کند، منتخب بزرگان هم همین است. بنابراین بر همه شما این روز عزیز خیلی مبارک باشد، ما در شام ولادت آن حضرت بحمدالله محضرتان شرفیاب شدیم و ان شاءالله به عنایت پروردگار متعال چشم امید داریم. در آن توقیع شریف هم امام عصر (علیه‌الصلاة والسلام) یک قاعده‌ای را در دسترس ما قرار می‌دهد و آن قاعده این است که شما از ایام ولادت اولیاء خدا برای تقرب استفاده کنید، همان جمله مشهور را دارد که «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ - مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ»<sup>۲</sup> که محمد بن



جمله قبلی را خاطرتان هست  
**«وَمِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ»** که جلسه  
 پیش عرض کردیم «صالح  
 العباد»، این درخواست خیلی بالا  
 است. و اما در ادامه‌اش فرمود: **«وَأَرْزُقْنِي  
 الْمَرْصَادِ»** این جا فوز معاد و  
 سلامت مرصاد را می‌خواهیم.

به عنایت حضرت جواد (علیه‌السلام)  
 امشب شما یک سیری خواهید  
 داشت در مراحل عالی بهشت  
 پروردگار متعال، یعنی آن جا را  
 دارید هدف‌گذاری می‌کنید و  
 عبور از خطرهایی که آه از نهاد  
 اهل معرفت که نه، آه از نهاد  
 اولیاء بلند می‌کند. این قدر  
 خطیر است. نجات از آن مخاطرات  
 و دستیابی به آن قله‌ها، قله‌هایی  
 که در بهشت الهی است، بحبوحه  
 جنات الله، جنات عدن و بالاتر  
 از همه آن‌ها رضوان پروردگار  
 متعال، این چیزی است که  
 شما امشب دارید توقع می‌کنید.

امیدواریم ان شاءالله خدای متعال  
 به حق حضرت جواد (علیه‌الصلوة‌والسلام)  
 برای همه جوانان پیرو اهل بیت  
 (علیهم‌السلام) گشایش در امور مادی  
 و معنوی‌شان را مقرر کند.

بحث ما در دعای شریف مکارم  
 رسید به این قطعه که یک  
 فهرستی را ما از حضرت حق  
 تبارک و تعالی تمنا کردیم. از  
**«وَمَتَّعِنِي بِالْاِقْتِصَادِ»** شروع شد  
 تا رسیدیم به دو درخواست  
 دیگر که باقی مانده است. یکی  
**«فَوْزَ الْمَعَادِ»** و دیگری **«سَلَامَةَ  
 الْمَرْصَادِ»**. این محل بحث امشب  
 ما است که ان شاءالله خدا توفیق  
 بدهد ما در این زمینه چند نکته‌ای  
 را خدمت‌تان عرض خواهم کرد.

**«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ  
 مَتَّعِنِي بِالْاِقْتِصَادِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ  
 أَهْلِ السَّدَادِ، وَمِنْ أَدْلَةِ الرَّشَادِ،  
 وَمِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ، وَأَرْزُقْنِي  
 فَوْزَ الْمَعَادِ، وَسَلَامَةَ الْمَرْصَادِ.»**

۴ فرازی از دعای بیستم صحیفه  
 مبارکه سجادیه



## سیری در مراحل نیل به بهشت پروردگار متعال

در آن جا حبس است، بعد به انواع و اقسامی از آن عقوبت‌ها هم گرفتار است تا این تمیز بشود، سبک بشود تا بعد به او بگویند بفرمایید بروید بهشت. مقامی که امشب داریم در باره‌اش صحبت می‌کنیم یعنی از همه این مخاطرات؛ برزخی، مخصوصاً قیامتی، شما به سلامت عبور می‌کنید و وارد بهشت می‌شوید. این می‌شود فائز. فرمود: «لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ»<sup>۵</sup> فائزون آن‌هایی هستند که به سلامت به بهشت رسیدند. همان‌هایی که جلوی در بهشت به آن‌ها می‌گویند «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»<sup>۶</sup> آین «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ» خطاب به این‌ها است. «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ»<sup>۷</sup> این‌ها است.

- |   |                        |
|---|------------------------|
| ۵ | آیه ۲۰ سوره مبارکه حشر |
| ۶ | آیه ۲۴ سوره مبارکه رعد |
| ۷ | آیه ۷۳ سوره مبارکه زمر |

عنایت کنید کلمه «فوز» که برای شماها شناخته شده است، از کلماتی است که قرآن کریم با یک جانمایی‌های فوق‌العاده‌ای از این کلیدواژه استفاده کرده است. در فارسی می‌گوییم یعنی رستگاری، عین فلاح معنایش می‌کنیم، مثلاً فلاح را هم باز در کلیدواژه‌های فوق‌العاده زیبای قرآن کریم هست، ما آن را هم می‌گوییم مثلاً رستگاری. ولی این‌ها با هم یک تفاوت‌هایی دارند. «فوز» یعنی این که شما به آن هدفی که از خیر دارید برسید و به سلامت برسید، چون گاهی انسان به هدف می‌رسد ولی به سلامت نمی‌رسد ولی وقتی که به سلامت می‌رسد آن می‌شود «فوز». مثلاً اگر کسی بعد از گذراندن مخاطراتی در برزخ، مخاطراتی در قیامت؛ معطل شدن، حبس شدن، مثلاً طرف صد سال، دویست سال

این جماعت این قدر این مسیر را در امنیت طی می‌کنند که حتی براساس بعضی از روایات ما، این‌ها گویا اصلاً جهنم را نمی‌بینند، با این که قرآن کریم به ما گفته از آن جا که عبور کنید شماها مبتلا می‌شوید «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا»<sup>۸</sup> اما بعضی‌ها دود جهنم، بعضی‌ها آتش جهنم، یک گوشه عبا و قبای‌شان را می‌گیرد. یک معطلی‌هایی آن جا دارند، این جور نیست که همین جور راه بیفتند بروند. ولی برخی این قدر سریع از آن مرحله عبور می‌کنند که گویا اصلاً جهنمی ندیدند «جزنا و هی خامدة» بعد از هم می‌پرسند می‌گوید ما که ندیدیم چی بود، می‌گوید ما که عبور کردیم این آتش خاموش بود، اصلاً آتشی ندیدیم، فائزین این‌ها هستند. «أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ

الْفَائِزُونَ»<sup>۹</sup> این جماعت هستند. پس این می‌شود دو کلمه؛ یک: مقام امن. دو: نیل به عالی‌ترین درجات رضوان الهی در بهشت. این دو کنار هم که شد می‌شود فائز، و فائزون، مقام امن و می‌بی‌غش و رفیق شفیق. از آن فرع، از آن جزع، از آن زلزله، از آن مخاطرات که هوش از سر اهل محشر می‌برد این‌ها در امان هستند، این یک؛ دوم: وقتی که بهشت را به آن‌ها می‌دهند این‌ها در بهشت صاحب درجه هستند، البته خود فائزین هم باز دارای درجاتی هستند، آن یک بحث دیگری است. ولی در بهشت صاحب درجه هستند. اما در بهشت الهی درجات متفاوت است. برخی می‌رسند به فوز مبین، برخی می‌رسند به فوز کبیر، برخی می‌رسند به فوز عظیم «هُمُ دَرَجَاتٌ عِنْدَ



سلامت به نقطه پایانی برساند. قرآن کریم این خطر را برای ما تشریح کرده است، خیلی روشن و واضح در بعضی از آیات کریمه قرآنی هست. فرمود «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا \* يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا»<sup>۱۲</sup>، این جا قاعده داد، قاعده چیست؟ قاعده اطاعت است. «وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا»<sup>۱۳</sup> اگر کسی خط زندگی اش در این دنیا خط اطاعت از خدای متعال باشد، یعنی اطاعت از رسول؛ این را خودش هم برای شما توضیح داده است. خب چگونه از خدای متعال اطاعت کنیم؟ هم روش آن را پیامبر در دسترس ما قرار می‌دهد، هم فرمان او، امر او، نهی او، هر چه که از طریق او

۱۲ آیات ۷۰ و ۷۱ سوره مبارکه

احزاب

۱۳ آیه ۷۱ سوره مبارکه احزاب

الله<sup>۱۴</sup>! پس این دو وقتی کنار هم قرار گرفت می‌شوند فائز و جمع‌شان هم که می‌شوند فائزون یا فائزین که قرآن کریم در باره آن‌ها صحبت کرده است.

### سعادت زیست آخرتی، محصول زیست دنیایی است

بار یافتن به یک چنین مقامی و منزلی که خیلی والا است، خیلی بالا است، خیلی جذاب است، این کاملاً برمی‌گردد به فوز در دنیا، چون زیست آخرتی ما در واقع می‌شود گفت که محصول و برآیند زیست دنیایی ما است، جدای از این نیست، چنان که فرمودند «وَ مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى...»<sup>۱۱</sup> اگر شیوه زندگی ما در دنیا قرین فوز شد، در آخرت می‌شویم جزو فائزین. البته اگر این مسیر را انسان به

۱۰ آیه ۱۶۲ سوره مبارکه آل عمران

۱۱ آیه ۷۲ سوره مبارکه اسراء

بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ  
 آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
 مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»<sup>۱۰</sup>.  
 حوالی هفتاد بار کلمه رسول را  
 استفاده کرده است. رسول یعنی  
 فرستاده خدای متعال است، از  
 خودش که حرفی نمی‌زند، این  
 پیام‌آور است، پیغام‌آور است،  
 پیک خداست، پیک حق است  
 که به سوی شما آمده است.

### اصلاح اغلب امور زندگی با تقوای کلامی و قول سدید

پس این جا فرمود: «وَمَنْ يُطِعِ  
 اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا  
 عَظِيمًا» یک مصداق برجسته هم  
 دارد، مصداق برجسته این اطاعت  
 تقوا و قول سدید است. عنوان  
 آیه این است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
 آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا  
 سَدِيدًا» که ما از همین جا  
 استنباط کردیم، از امیرالمؤمنین  
 (علیه السلام) هم در نهج البلاغه مدد

رسیده است؛ امر و نهی و فرمانی  
 است که از خدای متعال رسیده  
 است، عین همان است. گفت: «وَ  
 مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنَّ هُوَ  
 إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ \* عَلَّمَهُ شَدِيدٌ  
 الْقَوِيُّ»<sup>۱۱</sup>. بنابراین اطاعت از رسول  
 می‌شود اطاعت از خدای متعال.

بینید چقدر تعبیر زیبایی است،  
 یک وقت به شما گفتم حدود  
 بیش از هفتاد بار قرآن کریم با  
 صفت رسول از پیامبر عزیز ما  
 یاد کرده که قله‌اش این آیه  
 است «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»، آن  
 وقت ادامه‌اش هم خیلی دلبرانه  
 است «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى  
 الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ  
 رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا  
 مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي  
 وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ  
 مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمِثْلَهُمْ فِي  
 الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ  
 فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَى  
 سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ

## اطاعت و تقید به هماهنگی با رضای الهی

این قاعده در ادامه این مصداق برجسته است، فرمود «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» نه این که گاهی، «يطع الله» یعنی برنامه‌ی جاریِ جدیِ متنِ زندگی‌اش اطاعت از خدا و رسول است. اگر کسی به مقام اطاعت رسید، در پیشگاه خدای متعال بنده شد، «فقد فاز فوزاً عظيماً» مثلاً در محل بحث ما این کسی است که از آفت‌های گفتاری خودش را به سلامت نگه می‌دارد، این سلامت از آفت‌های گفتاری او را از ابتلاء به آتش‌ها و جهنمی که حاصل گفته‌های خطرناک است و آلوده هست حفظ می‌کند و او به سلامت عبور می‌کند. این جنس از سلامت؛ سلامت گفتاری باب عجیبی است. لذا فرمود: «يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ...»<sup>۱۶</sup>، اعمال دیگر شما را هم درست می‌کند.

۱۶ آیه ۷۱ سوره مبارکه احزاب

گرفتیم، نتیجه‌اش این شد که بار یافتن به مراتب بالای تقوای کلامی و قول سدید، وابستگی تام دارد. یعنی اگر ما توانستیم زبان‌مان را اصلاح کنیم بسیاری از امور در زندگی‌مان اصلاح می‌شود. این را انسان صد بار هم یادآوری کند کم است. دائم باید یادآوری کرد. طبق آن بیان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه که از پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) نقل می‌کند که حضرت فرمودند ایمان در وجود شما مستقر نمی‌شود مگر این که قلب‌تان به اعتدال و استقامت برسد و قلب شما به اعتدال و استقامت نمی‌رسد مگر این که زبان شما مستقیم بشود. زبان مستقیم بشود ببینید تأثیر آن تا کجاست، این است. نباید دست کم گرفت.

باطن را گفت، ظاهر می‌شود تقوا، یعنی تقوا را در گفتارش، در عملش، در اقتصادش، در رفتارهای اجتماعی‌اش، در رفتارهای خانوادگی‌اش، در سیاسی‌اش، در همه جاها رعایت می‌کند. آن جهت باطنی‌اش می‌شود خشیت، آن جهت ظاهری‌اش می‌شود تقوا. این دو کنار هم که قرار می‌گیرد این گونه معنا می‌شود. یک بابی هم در قرآن کریم هست، این مساعد طبق مبنا است که فرمود «مَنْ حَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ...»<sup>۱۷</sup>، این «بالغیب» یعنی در نهان‌خانه جانش از خدای متعال حساب ببرد، در برابر خدای متعال تسلیم باشد، فروتن باشد، در ضمیرش ترسان باشد، در پستوی شخصیت‌اش، آن جا از خدای متعال حساب ببرد.

در مثال دیگری در سوره مبارکه نور، آیه ۵۲، باز هم همین است، اطاعت است «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»، «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» همین است که در سوره احزاب هم بود «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» این جا در ادامه‌اش می‌گوید «وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ» یعنی نسبت به خدای متعال خشیت داشته باشد، در زندگی‌اش از خدا حساب ببرد و تقوا داشته باشد، یعنی خودش را در خط بندگی نگهداری کند. تقوا این بود، مفصل صحبت کردیم. جالب است که در این سوره مبارکه احزاب هم گفت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ» باز همان دعوت به تقوا است «وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا». این جا هم سخن از تقوا است. منتها اهل تفسیر می‌گویند این خشیت عمدتاً مربوط می‌شود به باطن، تقوا اعم از باطن و ظاهر است. ولی این جا وقتی

اگر سالم رفت، همان که از آن تعبیر می‌شود به قلب سلیم، اگر ان شاءالله از این مرحله به سلامت گذشت، آن جا دیگر به سلامت عبور خواهد کرد و می‌رود تا دارالسلام که «وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۱۹</sup> این می‌رسد به دارالسلام چون سالم رفته است. لذا در همان ورودی هم به او می‌گویند که «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ..» به به چه خوشگل، چه تمیز، چه مرتب، اندام‌های روحی، همه چیز سر جایش است. یک وقت انسان می‌آید می‌بیند این کور و شل و گنگ و... خراب است، همه چی به هم ریخته است، قیافه عجق و جق و این‌ها است. می‌گویند آخر این چه وضعی است که تو آمدی؟ این دارد به آن عالم وارد می‌شود. منظوم اندام‌های روحی است، جسم که خب مرکب است. البته انسان در باره

پس این شد «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»<sup>۱۸</sup> این‌ها کسانی هستند که در این اوضاع پرخطری که در این دنیا هستیم، به سلامت عبور می‌کنند. پس این در باب آن مسیر فوز در دنیا است، در یک کلیدواژه است؛ اطاعت، و السلام. اطاعت خدای متعال. در اطاعت از رسول و تقیّد به این که انسان خودش را با امر الهی، با نهی الهی، با رضای الهی هماهنگ کند متجلی است. اهتمام شما در زندگی‌تان اگر این شد، ان شاءالله به لطف خدای متعال از این مرحله به سلامت خواهید گذشت.

در دنیا این نکته هست که اگر این جا احياناً برای او یک مخاطراتی پیش آمد و توانست این مخاطرات را با توبه و استغفار شستشو کند، لحظه‌ای که دارد از این عالم می‌رود

۱۸ آیه ۵۲ سوره مبارکه نور



تحویل بشود به فرشتگانی که شما را تحویل می‌گیرند. وقتی نگاه کرد، هرچه نگاه می‌کند می‌بیند به‌به، این چقدر خوب آمد، چقدر مرتب است، چقدر منظم است، همه چیزش هم در وجود او سر جایش است، چیزی کم و کسر ندارد. دیدید یک بچه‌ای متولد می‌شود وقتی نگاه می‌کنند می‌گویند این همه چیزش سر جایش است، پدر و مادر چقدر خوشحال می‌شوند، البته آن وقت هنوز معلوم نیست عقلش هم سر جایش هست یا نه. آن یک خرده بعد مشخص می‌شود، ولی اول نگاه می‌کنند ببینند پای او سالم است، دست او سالم است. حالا مثلاً یک وقت بچه متولد شد، موقع تولد ببینید مثلاً این دست ندارد، پاهایش به هم چسبیده است، نمی‌دانم چشم او لوچ است یا چشم ندارد. گاهی ما داریم از دنیا منتقل می‌شویم به آن طرف این گونه می‌رویم، می‌بیند این

جسمش هم از خدای متعال باید بخواهد که جسمش بشود وارث او، یعنی ما برویم، ان شاء الله این به سلامت باشد. این‌ها جزو دعاهای همیشگی‌تان باشد. تمام شهدا این گونه رفتند. چشم رفته ما هستیم، گوش سنگین شده رفته ما هستیم، پا رفته ما هستیم. گاهی برعکس می‌شود که در دعای شب نیمه شعبان پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) به ما آموزش داد از خدای متعال این گونه بخواهید که این اعضاء و جوارح ما «و اجعله وارث منّا» این‌ها بشوند وارث ما. حالا این در باب جسم است، آن مهم نیست، بالاخره هر چه که خدا بخواهد همان مسیری طی می‌شود. یک مرکب است، طبق تقدیر الهی هر چه که پیش بیاید. منتها فرمودند شما این گونه بخواهید. اما روح و جان شما و اندام‌های جان شما، آن باید صد درصد، سالم، تمیز، مرتب به عالم قدس تحویل بشود،

نه دعای لقلقه زبان، بلکه دعای واقعی. یعنی تمام وجودش بشود خواستن از خدای متعال، ابراز فقر به حضرت حق، رازگویی با خدای متعال، این به مرحله انس و رفاقت با حضرت حق تبارک و تعالی می‌رسد، دیگر با خدای متعال رفیق شده است.

مخصوصاً در ماه رجب این خیلی جلوه دارد که از آن طرف هم چون یک جذبه‌ای هست، همیشه هست منتها بعضی وقت‌ها خیلی خاص است، ماه رجب یک جذبه‌ای است از جلوات ملکوتی که دل مؤمنین را می‌برد، آن وقت در آن سخنانی که ملک داعی گفته که از سماء رابع هر شب از صدر شب تا سحر، تا وقت طلوع خورشید، تا طلوع فجر، صدا می‌زند و می‌گوید کسی هست بیاید؟ «أنا جلیس من جالسینی» آن کلمه «مطیع من اطاعنی» که انسان نمی‌داند آن را چگونه ترجمه کند، «مطیع

بی‌دست آمده است، این پا ندارد، این اندام‌های روحی‌اش آن جا کامل نیست. امان از این که انسان کور برود که دیگر چقدر بد است. «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى»<sup>۲۰</sup>.

### انس و رفاقت با حضرت حق تبارک و تعالی

یک جمعی از بندگان خدای متعال هستند که این‌ها به مراحل بالایی از ایمان می‌رسند و از لطف خدای متعال بهره‌مند می‌شوند، زبان دل‌شان به گفتگوی با حضرت حق باز می‌شود. یعنی اهل انس با حضرت حق می‌شوند. مقام دعا خیلی مقام بالایی است. انسان به مرتبت دعا برسد، ربّ و ربنا و الهی و سیدی و مولای، ورد زبانش بشود. این را به هر کسی نمی‌دهند که بشود اهل دعا. خیلی مرتبه بالایی است.

«و ارحمنا» بعد هم خدای متعال را با این نام می‌خوانند «و أنت خیر الراحمین»، این‌ها به چه رتبه‌ای می‌رسند.

آیه بعدی دارد خطاب به جهنمی‌ها می‌گوید «فَاتَّخَذُوا هُمْ سَخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُم ذِكْرِي وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ»<sup>۲۳</sup> شما این‌ها را مسخره می‌کردید، می‌گفتید این‌ها دعا می‌خوانند با کی دارند حرف می‌زنند؟ وقت‌شان را دارند تلف می‌کنند، می‌روند مسجد معتکف می‌شوند برای چی؟ اصلاً درکی ندارند، مسخره می‌کنند، شاید شما هم دیده باشید، البته چنین چیزی در جامعه ما کم است، ولی آن وقت‌ها زیاد بود که این‌ها مسخره‌شان می‌کردند، می‌گوید «فَاتَّخَذُوا هُمْ سَخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُم ذِكْرِي» می‌دانید اگر کسی به اولیاء خدا، نسبت به کسانی که با خدای متعال

«من اطاعنی»، خدای متعال، دیگر «هل من سائل» و «هل من مستغفر» و این‌ها است.

### غیرت پروردگار نسبت به مؤمنین و اولیاء الهی

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در کل سوره مؤمنون و این آیات را که می‌خواندند خیلی گریه می‌کردند. مثلاً می‌رسید به این جا که می‌گوید «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا...»<sup>۲۱</sup> دارد که «إِنَّهُ» خدای متعال می‌گوید: «إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ»<sup>۲۲</sup> رسیدن به این مرحله، به این مقام رسیدن که ایمان‌شان را به خدای متعال ابراز می‌کنند، «يقولون ربنا أمنا» از خدای متعال مغفرتش را می‌خواهند «فاغفر لنا» از خدای متعال چه می‌خواهند؟

۲۱ آیه ۱۱۵ سوره مبارکه مؤمنون

۲۲ آیه ۱۰۹ سوره مبارکه مؤمنون

۲۳ آیه ۱۱۰ سوره مبارکه مؤمنون

محل نظر ما است، «إِنِّي» این خیلی لطیف است. «إِنِّي» یعنی خودم، یعنی گاهی خدای متعال به صورت متکلم وحده نکته‌هایی را می‌گوید، گاهی جمع می‌گوید، هر کدام یک اسراری دارد. این متکلم وحده‌اش خیلی خاص است، یعنی خودم، «جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا»<sup>۲۴</sup> این صحبت‌ها مال آن وقتی است که آن بدبخت‌ها درون جهنم دارند عذاب می‌شوند، التماس می‌کنند، می‌گویند «قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ \* رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ»<sup>۲۵</sup> خدایا ما را از این آتش نجات بده. دائم التماس می‌کنند، جواب هم یک کلمه بیشتر نیست، آن کلمه که خیلی خطرناک است این است «قَالَ اخْسَوْا فِيهَا وَ

رفیق شدند تعرض کند، خدای متعال عقوبت که می‌کند عقوبت عجیبی است، خدای متعال غیور است، هوای رفیق‌هایش را دارد، خیلی حواس‌تان جمع است، خدای متعال هوای رفیق‌هایش را خیلی دارد. کسی نسبت به آن‌ها تعرضی کند، مسخره‌ای کند، مثلاً بی‌ادبی کند، زمین می‌خورد. زمین خوردن او چیست؟ «حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي» من حلاوت یاد خودم را از شماها گرفتم، رفتید در محیط فراموشی، بدوید در این دنیا چرا کنید، «كلوا و تمتعوا» بخورید و بچرید همین جوری که این گاو و الاغ می‌خورند و می‌چرند، شما هم این چند روز بچرید. ولی دیگر یادی از من در قلب شما نیست. من این گونه شما را مجازات کردم، «وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ» می‌خندیدید، زخم زبان می‌زدید، این‌ها را تمسخر می‌کردید.

۲۴ آیه ۱۱۱ سوره مبارکه مؤمنون

۲۵ آیات ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره مبارکه

مؤمنون

آیه ۱۱۱ سوره مبارکه مؤمنون

است «إِنِّي جَزَيْتَهُمْ...» حالا چه حرف‌هایی این جا هست بماند. عنی فرشته‌ها بروید کنار، وسائط فیض بروید کنار، خودم «إِنِّي»، این‌ها دوستان من هستند «إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا» منظورم این کلمه «بما صبروا» بود. «بما صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ» خودم امروز به آن‌ها پاداش می‌دهم. این پاداش همان بهشت رضوان الهی است که نصیب این‌ها می‌شود. می‌گوید خودم به این‌ها پاداش می‌دهم.

راز این پاداشی که به آن‌ها می‌دهم یک کلمه است «بما صبروا»، یعنی این‌ها در این دنیا زندگی‌شان آمیخته با صبر بود، در برابر همه فرمان‌هایی که از طرف من رسیده بود تسلیم بودند، با این که برای آن‌ها سختی داشت ولی عمل می‌کردند، با این که سختی درونی داشت در برابر هواهای نفسانی‌شان ایستادند صبر

لَا تُكَلِّمُونِ<sup>۲۶</sup> به این‌ها می‌گوید خفه شوید، گم شوید، با من حرف نزنید، نمی‌خواهم صدای شما را بشنوم، این‌هایی بودند که مؤمنین را تمسخر می‌کردند و دوستان خدا را، اولیاء خدا را مضحکه می‌کردند، می‌گوید گم شوید، خفه شوید، «اٰخَسَوْا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ» با من حرف نزنید. «إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي»<sup>۲۷</sup> را برای شما خواندم که مسئله شما این بوده است، گناه‌تان خیلی گناه بزرگی بوده است.

## صبر در برابر فرمان الهی، راز رسیدن به رضوان الهی

حالا این جا خدای متعال یک توصیفی دارد «إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا...»<sup>۲۸</sup> امروز می‌خواهم خودم به این‌ها پاداش بدهم، خودم مباشر هستم. خیلی شیرین

۲۶ آیه ۱۰۸ سوره مبارکه مؤمنون

۲۷ آیه ۱۰۹ سوره مبارکه مؤمنون

۲۸ آیه ۱۱۱ سوره مبارکه مؤمنون

کردند، بیرونی داشت در برابر مشکلات صبر کردند، در برابر اذیت دشمنان و زخم زبان‌ها و ملامت‌ها صبر کردند، از میدان خارج نشدند. «بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ»<sup>۲۹</sup> خیلی آیه قشنگی است. این هم چقدر تأکید است «أَنَّ هُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ» یعنی دیگر خدای متعال همه جوره تأکیدش کرده است، این‌ها به مقصد رسیده‌اند، خوشبخت و سعادت‌مند و رستگار هستند «هم الفائزون».

بعد یک کسی آن جا به این‌ها می‌گوید شما چقدر در دنیا بودید؟ آن جا چقدر طول کشید؟ می‌گوید خیلی نبود، خیلی آن جا به این‌ها خوش می‌گذرد. یک کسی می‌گوید «قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ»<sup>۳۰</sup> چند سال شما در دنیا بودید؟ حالا مثلاً طرف شصت سال، هفتاد سال، هشتاد سال کمتر، بیشتر

آن جاها بوده است، می‌گوید جواب‌شان این است که «قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ...»<sup>۳۱</sup> مثل این که یک روز بود، رُفقا خیلی توجه کنید، قرآن است. این‌هایی که به فوز رسیدند، به بهشت رسیدند، به آن‌ها می‌گویند چقدر طول کشید در دنیا این همه شما رنج بردید، اذیت شدید، ملامت شدید، زخم زبان شنیدید، جسم‌تان مجروح شد، جان‌تان مجروح شد، این همه آزار، چقدر طول کشید؟ چند سال؟ می‌گویند یک روز بود؟ همدیگر را نگاه می‌کنند می‌گویند نه بابا یک روز بود؟ نه؛ «بعض یوم» مثل این که حتی یک قسمتی از یک روز ما آن جا معطل شده بودیم. «فَسَلِّ الْعَادِّينَ» می‌گوید خب از این‌هایی که شماره انداخته بودند که شما چقدر در دنیا عمر کردید از آن‌ها باید پرسید شما چند سال آن جا بودید.

همان ۲۹  
 آیه ۱۱۲ سوره مبارکه مؤمنون ۳۰

که می‌رسند به مقام رضوان، آن‌ها واصلین هستند. طبعاً درجات پایین‌تر هم دارد. این دیگر درجات بهشت است. هر دو هست که می‌گویند «لهم» برای متوسطین است، «هم» برای مقربین است. خودشان درجه هستند، یعنی وجودشان می‌شود درجه‌ای از درجات بهشت.

وقتی شما مشرف می‌شوید به حرم حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) در زیارت آن حضرت که زیارتش را حضرت رضا (علیه‌السلام) انشاء فرموده است، یعنی زیارت، زیارتِ معصوم است. چون بعضی زیارت‌نامه‌ها را بزرگان ما نوشتند برای اولیاء، اما این زیارت را حضرت رضا (علیه‌السلام) انشاء کردند. بعد شما در زیارت حرم حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) می‌گویید «یا فاطمه» الله اکبر، «اشفعی لی فی الجنة فإنّ لک عند الله شأناً من الشأن» این شفاعت فی الجنة خیلی

بینید این است، وقتی آن جا رسید به دنیا که نگاه می‌کند انگار مثل یک خوابی بوده است، یک نیم روزی، یک چند ساعتی بوده است. حالا سال‌ها این جا بوده، زیر شکنجه و رنج و تلاش و مجاهدت و بگیر و ببند و برو و بیا، چون مؤمن دائم در تلاش است، با همه سختی‌ها، می‌گویند نه انگار یک نصفه روزی بود.

### شفاعت در ارتقاء درجات بهشتی

«فائزون» دارای درجات هستند، «هم درجات عند الله» قرآن کریم هم وقتی می‌خواهد این‌ها را توصیف کند گاهی فوژشان را مبین می‌گوید، گاهی کبیر می‌گوید، گاهی عظیم می‌گوید. در یکی از این آیات دارد که «و رضوان من الله اکبر ذلك هو الفوز العظيم»<sup>۳۲</sup> این‌هایی



**عُقَبَى الدَّارِ»<sup>۳۳</sup>** شما در دنیا چند روز کم آن را صبر کردید، حالا این جا عشق و حال کنید، بی انتها، بی حد و مرز. گفت در دنیا هرچی من گفتم شما گفتید چشم، حالا هرچی شما بگویید من می‌گویم چشم. خدای متعال می‌گوید «**مَطِيعٌ مِنْ اطَاعَنِى**». در دنیا هرچی من گفتم شما گفتید چشم. این جا را نگاه نکن؛ چشم، این را نگو؛ چشم، این را نخور؛ چشم، آن را نپوش، این جورى راه برو، این جورى لباس بپوش، این جا بگو؛ عبادت، نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، چه و چه، هر چه من گفتم شما گفتید چشم. همان اطاعت است، حالا بسم الله «**نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ**»<sup>۳۴</sup> این جا دیگر شما بگویید من می‌گویم چشم، چى مى‌خواهید؟ هرچه شما بخواهید همان است. به همین

۳۳ آیه ۲۴ سوره مبارکه رعد

۳۴ آیه ۳۲ سوره مبارکه فصلت

فرق می‌کند با شفاعت بیرون از بهشت. بیرون از بهشت شفاعت می‌کند که تو را از جهنم نجات بدهد، ولی شفاعت فی الجنه شفاعت در درجات است، این کار حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) است. آن چقدر بزرگ است. یعنی حضرت می‌تواند شما را از این رتبه ببرد به رتبه بالاتر. «**اشْفَعِ لى فى الجنة**» بعد می‌گویید بله من می‌دانم «**فَإِنَّ لى عند الله شأنًا من الشأن**» شما پیش خدای متعال خیلی بزرگ هستید، جایی که داری، رتبه‌ای که نزد خدای متعال داری خیلی رتبه بالایی است.

## پاداش صبر و تسلیم و اطاعت از فرمان الهی

بنابراین روی کلمه صبر تأکید کنید، در آن آیه سلام هم بهشتی‌ها به آن‌ها می‌گویند «**سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ**»

صراحت «وَلَكُم فِيهَا مَا تَشْتَهُی  
 أَنْفُسُكُمْ...»<sup>۳۵</sup> هرچه بخواهند  
 برای آن‌ها حاضر می‌شود.  
 خوش به حال متقین. واقعاً  
 زرنگ هستند، زرنگی این است.  
 چه سعادت‌تی دارند. همین چند  
 روز است «صبروا ایاماً قلیلةً»  
 این چند روز دنیای کم زودگذر  
 را صبر کردند «أَعْقَبْتَهُمْ رَاحَةً  
 طَوِيلَةً» در یک آسایش بی‌مرز  
 آن‌جا زندگی می‌کنند. این‌ها  
 زرنگ هستند. حالا این‌جا  
 هر جور دلت می‌خواهد رفتار  
 کنی، هر چه می‌خواهی بگویی،  
 هر چه بخواهی بنوشی، هر  
 چه بخواهی بنوشی، هر جور  
 بخواهی عمل کنی، بی‌حساب،  
 بی‌کتاب، در مال مردم، در آبروی  
 مردم، در زندگی مردم، انواع  
 و اقسام تصرفات، خوشگذرانی  
 و فلان و این‌ها. این روزهای  
 کم تمام می‌شود آن روزهای  
 زیاد و طولانی شروع می‌شود.

ان شاءالله به حق حضرت  
 جواد (علیه‌الصلوة‌والسلام) خدای متعال  
 همه ما را از فائزین قرار بدهد.  
 پیامبر اعظم (صلوات‌الله‌علیه) خطاب  
 به امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) گفت  
 علی جان «أنت و شیعتک هم  
 الفائزون»<sup>۳۶</sup> فائز علی و شیعیان  
 علی بن ابیطالب هستند. یعنی  
 طبق قاعده شیعیان امیرالمؤمنین  
 مدال‌شان اطاعت از خدای متعال  
 و تقوا است، می‌گوید این  
 شیعه است. «فاز شیعتنا». در  
 حدیث کساء در زیارت جامعه  
 هم می‌گویید «و فاز الفائزون  
 بکرامتکم» اگر کسی می‌رسد با  
 شما می‌رسد. «فاز الفائزون»  
 می‌رسند با شما به فوز  
 می‌رسند. امیدواریم ان شاءالله  
 دست کرامت حضرت جواد  
 (علیه‌الصلوة‌والسلام) دست همه ما را  
 بگیرد و به آن مقاصد عالی برساند.

۳۶ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ج

۱، ص ۱۴۷

۳۵ آیه ۳۱ سوره مبارکه فصلت

## جریان مقاومت به اسلام آبرو داد

شدند، ارباب‌شان نمی‌دانند چه حاکی بر سرشان کنند. مثل الاغی که در گل گرفتار شده باشد الان آن وضعیت را دارند. دائم از حرف‌هایشان عقب‌نشینی می‌کنند، اول چه می‌گفتند حالا دارند چه می‌گویند. الحمدلله ضربه‌هایی که دارد به آن‌ها می‌خورد خیلی حسابی است. خدا ان شاءالله نیست و نابودشان کند، ان شاءالله به خاک سیاه بنشانندشان. ان شاءالله اجر صبر این مسلمان‌های مظلوم، این خانواده‌های مظلوم فلسطینی و غزه و دیگران را، لطف و کرمش را نصرت خودش قرار بدهد.

در جریان جنگ فلسطین روزی صد نفر، صد و پنجاه نفر، گفت ظرف ۲۴ ساعت ۱۹۰ نفر به شهادت رساندند، عمدتاً الان آمدند سمت خان یونس و آن جاها را دارند می‌زنند. خدا لعنت‌شان کند. بیشتر هم بچه‌ها هستند، بچه‌ها و خانم‌ها با آن وضعیت سخت، خوب ایستادند، خوب دارند مقاومت می‌کنند. آقای ما فرمودند این‌ها به اسلام آبرو دادند. آقای یک تعبیری داشتند فرمودند قرآن را محبوب کردند. به اسلام آبرو دادند. ان شاءالله ولایت امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة والسلام)

دست‌شان را بگیرد، ان شاءالله نصرت خاص الهی بر آن‌ها نازل بشود. در جبهه عملیاتی هم بشارتی که به شما بدهم این است که در میدان عملیات بسیار کامیاب و موفق هستید، خیلی خوب دارند پیش می‌روند، صهیونیست‌های بدبخت دیوانه

«اللهم صل على محمد و آل محمد»

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ  
بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ  
وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ  
وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلياً وَحافظاً  
وَ قائِداً وَ ناصِراً وَ دَلِيلاً وَ عِيْناً  
حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ  
تُمَتِّعَهُ فِيها طَويلاً. اللَّهُمَّ عَجِّلْ  
فَرَجَهُ، وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ اجْعَلْنَا  
مِنْ خَيْرِ اعوانِهِ وَ أَنْصارِهِ  
وَ الْمُستَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ».

امت و امام در کنف حمایت  
ولی الله الاعظم حفظ بفرما.  
عزت کرامت بفرما. گرفتاری‌ها  
از زندگی مؤمنین و مؤمنات به  
لطف و به کرمات مرتفع بفرما. از  
بهترین جوایز و عیدی‌هایی که در  
چنین ایامی به بهترین دوستان  
کرامت می‌کنی به جمع ما هم  
کرامت بفرما. ارواح مطهر شهداء،  
امام راحل عظیم الشأن از جلسه  
ما راضی و شاد باشند. ارواح  
مؤمنین، مؤمنات، گذشتگان را هم  
در نظر بگیرید به روح همه‌شان  
صلوات و فاتحه‌ای اهداء بفرمایید.





افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر